

## سطح‌بندی نظام قدرت منطقه‌ای در دریای خزر

داود رضائی سکه‌روانی<sup>۱</sup>؛ هوشنگ خادم‌دقیق<sup>۲</sup>؛ عبدالرحمن اسفندیاری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

### چکیده

با توجه به تاثیر قدرت بر روند تعاملات، بررسی و مطالعه مداوم سطوح قدرت و تغییرات گسترده آن در مناطق مختلف جغرافیایی بر اساس شاخص‌ها و مولفه‌های موثر در قدرت ملی از ضروریاتی است که غفلت از آن می‌تواند تبعات امنیتی را به‌همراه داشته باشد. از همین‌رو دریای خزر که از سال ۱۹۹۱ میلادی جزء مناطق بین‌المللی جدید قلمداد می‌گردد، به دلایل ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی دارای شرایط ویژه‌ای شده که علاوه بر تغییر در روند قدرت‌یابی کشورهای منطقه، حضور و رقابت بازیگران فرامنطقه‌ای را به خود معطوف داشته است. با توجه به چالش‌های امنیتی متصور نسبت به تغییر سطوح قدرت بازیگران این منطقه ژئوپلیتیکی علیه جمهوری اسلامی ایران؛ پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از مدل ماتریسی و تحلیل آماری، وزن ژئوپلیتیکی هر یک از کشورهای منطقه براساس ۱۲۵ شاخص در قالب ۶ عامل اقتصادی، سیاسی، نظامی، سرزمینی، فرهنگی-اجتماعی و علمی بررسی شده است. بر اساس نتایج پژوهش که با جمع امتیاز فاکتورهای شش‌گانه و حاصل شدن امتیاز نهایی و قدرت ملی کشورهاست، می‌توان بیان نمود که روسیه قدرت‌سازهای، ایران قدرت منطقه‌ای، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان قدرت‌های ملی در منطقه هستند.

**کلیدواژه:** جغرافیای سیاسی، قدرت منطقه‌ای، وزن ژئوپلیتیکی، جمهوری اسلامی ایران، دریای خزر.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه خاتم الانبیاء (ص) و نویسنده مسئول (رایانامه: d.rezaei77@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکتری رشته مطالعات امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

۳- دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس

## مقدمه

منطقه ژئوپلیتیکی خزر با واقع شدن در قلمرو راهبردی بری، سال‌های طولانی تنها عرصه رقابت و تعامل دو کشور ایران و شوروی بود، اما اضمحلال شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی که ناشی از رقابت و رویارویی با بلوک غرب بود، تغییرات عمده‌ای را در نقشه سیاسی جهان به وجود آورد. با این تحول روسیه کنترل مطلق و سلطه نظامی خویش بر دریای خزر و پیرامون آن را در مقایسه با دوران شوروی از دست داد (Saievetz, 2000:2). با تغییر مرزهای سیاسی در این قلمرو، منطقه خزر با توجه به قابلیت‌های ژئوآکونومیک و ژئواستراتژیک خود علاوه بر ایران شاهد حضور چهار کشور جدید آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و همچنین روسیه گردید که به لحاظ ساختاری همان اهداف و نیت شوروی را در منطقه و جهان دنبال می‌نمایند. موقعیت ممتاز این منطقه که از گذشته موجب رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است؛ سیاست خارجی ایران را به شدت متأثر از خود ساخته و از آنجا که جمهوری اسلامی ایران علاوه بر منافع راهبردی خود، شاهد حضور مستقیم و همچنین پشتیبانی سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا از کشورهای این منطقه به عنوان رقبای جدید می‌باشد و عنصر قدرت هم نقش موثری در شکل‌دهی به تعاملات دولت‌ها به‌ویژه در مناطق راهبردی دارد، ضروری است که به منظور جلوگیری از تهدیدات سیاسی- امنیتی و نظامی ناشی از افزایش قدرت همسایگان و رقبا به‌طور مستمر شاخص‌های قدرت ملی کشورهای هدف را در مناطق حساس مورد ارزیابی و پایش قرار داد تا به موازات رشد وزن ژئوپلیتیکی رقبا اقدامات مناسب در قبال تغییرات سطوح قدرت منطقه‌ای به‌عمل آید و این سنجش در چارچوب جغرافیای سیاسی قابل بررسی است.

با وجود اهمیت سنجش قدرت ملی به دلیل متنوع بودن شاخص‌های ارزیابی قدرت، اندازه‌گیری قدرت ملی کشورها به‌صورت یک چالش در جغرافیای سیاسی باقی مانده است (Taylor, 1993:33). لذا با وجود ارائه شاخص‌های جدید از سوی نظریه‌پردازان، به دلیل پیوند خوردن مفهوم قدرت با عوامل و متغیرهای کیفی، همواره اندازه‌گیری آن از مشکلات اساسی جغرافی دانان سیاسی، متخصصین ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل بوده است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰:۲۸۴)، اما از آنجا که افزایش قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی کشورها، برای آن‌ها اقتدار، تاثیر گذاری، منافع بیشتر و گسترش حوزه نفوذ را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در مقیاس‌های منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی به‌همراه خواهد داشت (افشردی و مدنی، ۱۳۸۸:۱۱۴)، عمده کشورها با برنامه‌ریزی‌های گسترده به دنبال افزایش قدرت و توان خود می‌باشند و از همین‌روست

که سنجش قدرت ملی کشورها نیازمند محاسبه و ارزیابی مؤلفه و متغیرها در ابعاد مختلف است. محاسبه مجموعه امتیازات این عوامل نشانگر میزان، سطح قدرت ملی و تعیین جایگاه کشورها در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و سازه‌ای است (زرقانی، ۱۳۸۵: ۶۲). با توجه تحولات گسترده سه دهه گذشته در ارواسیا، تعیین وزن ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر که امکان سنجش سنواتی قدرت ملی ایران و همسایگان شمالی را مشخص و از طرف دیگر زمینه تشخیص موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در نظام قدرت سازه‌ای منطقه‌ی خزر را فراهم و در ترسیم الگوی روابط خارجی ایران مؤثر است (افشردی، ۱۳۸۱: ۱۲۵). پژوهش حاضر درصدد است که متغیرها و عوامل بنیادین قدرت ملی کشورهای حوزه خزر را با توجه به منابع معتبر بین‌المللی بررسی و در قالب یک مدل که متضمن جمع‌جبری متغیرهای قدرت است، لحاظ نماید و به رده‌بندی کشورها بر پایه قدرت ملی آن‌ها بپردازد. بدین ترتیب امکان تشخیص موقعیت ژئوپلیتیکی دولت‌ها در نظام قدرت جهانی و منطقه‌ای فراهم خواهد آمد و فرصت مناسبی برای آگاهی کشورها از تغییرات موقعیت خود در نظام بین‌الملل ایجاد خواهد شد. از طرفی با مشخص شدن وزن و جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها، می‌توان برای رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی شده در راستای ارتقاء و تأمین کشور در ابعاد مختلف برای بهبود سطح منزلت ژئوپلیتیکی خود نسبت به همسایگان تدابیر لازم را اندیشید و اتخاذ نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۰). از همین‌رو با هدف آگاهی از وزن ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه منطقه خزر، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به سوالات ذیل است:

#### سوال اصلی

سطح‌بندی نظام قدرت در منطقه ژئوپلیتیکی خزر چگونه است؟

#### سوال‌های فرعی

- ۱- جایگاه هر یک از این کشورها در ساختار قدرت منطقه‌ای چه نقش در تعاملات درون منطقه‌ای و فرا منطقه دارد؟
- ۲- تحول در سطح قدرت ملی کشورهای منطقه چه تبعات امنیتی را برای جمهوری اسلامی ایران دربر دارد؟

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش قدرت ملی

قدرت ملی از جمله مفاهیمی است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای در اذهان، اندیشه، عمل ملت‌ها و حکومت‌ها برخوردار است. قدرت زمانی که در یک جامعه یا ملت به آن نگریسته شود و برآیندی از توانایی‌های مادی و معنوی آن ملت محسوب شود، جنبه‌ای ملی پیدا می‌کند. این مفهوم بعد از پیدایش و شکل‌گیری دولت‌های ملی و از اروپا به سایر نقاط گسترش پیدا نمود.

حافظ‌نیا قدرت ملی را به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی تلقی می‌کند که ویژگی و صفت جمعی برای افراد یک ملت را منعکس می‌نماید و هم‌زمان به‌عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت مطرح می‌شود، از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌گردد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۵۱).

در مورد مفهوم قدرت ملی؛ "مورهد"، نفوذ در راه و روش دیگران در جهت اهداف و مقاصد خاص صاحب قدرت را قدرت ملی تعریف می‌کند و راه‌های نفوذ را بحث و اقناع، پاداش، تنبیهات و اعمال زور می‌داند (مورهد و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۰۵).

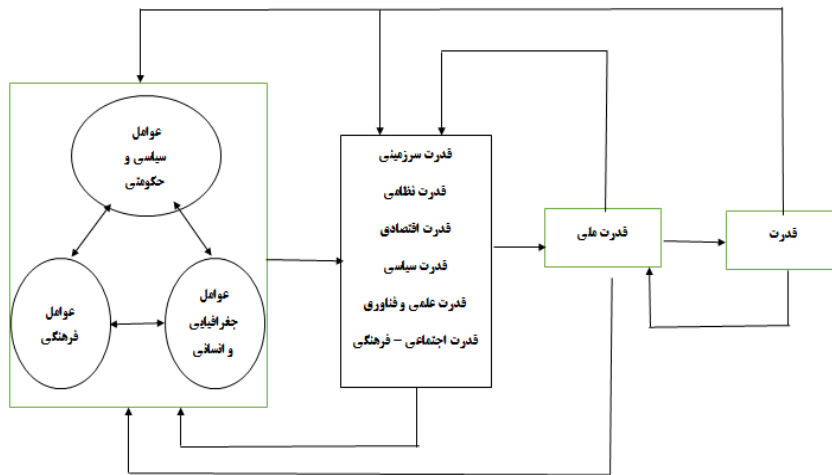
بر اساس تعریف کاظمی، قدرت ملی عبارتست از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۰).

با توجه به اهمیت قدرت ملی برای کشورها، قلمرو و حدود تاثیرگذاری ناشی از قدرت ملی دارای سطوح پنج‌گانه‌ای است:

- قدرت ملی جهانی: ایجاد توان و وزن ژئوپلیتیکی جهت تاثیر بر فرایندهای جهانی.
- قدرت بالقوه جهانی: زمینه‌سازی جهت رشد و رسیدن به سطح قدرت جهانی مثل چین و هند.
- قدرت ملی منطقه‌ای (متوسط): تاثیرگذاری قاره‌ای و منطقه‌ای مثل آفریقای جنوبی.
- قدرت محلی کوچک: در سطح محلی و همسایگی دارای منطقه و قلمرو نفوذ است.
- قدرت درون کشوری: فقط در چارچوب مرزهای سیاسی خود دارای اقتدار و نفوذ است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۸).

## منابع و سرچشمه‌های قدرت ملی

با توجه به مدنظر بودن قدرت ملی برای جغرافی‌دانان سیاسی و ژئوپلیتیک و همچنین متخصصین علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و استراتژیست‌ها، ارائه فهرست متعددی از عوامل تاثیرگذار بر قدرت ملی، بخش عمده‌ای از این نظریات مشترک بوده، اما مشکل اصلی نبود شاخص مناسب جهت اندازه‌گیری جامع قدرت ملی است (روشندل، ۱۳۷۴: ۷۰). در بررسی نظریات و الگوهای عمده‌ی مربوط به عوامل تشکیل‌دهنده قدرت ملی، ۲۸ نظریه که توسط صاحب‌نظران داخلی و خارجی ارائه شده، نشان می‌دهد که: اولاً نوعی اشتراک نظر در عوامل موثر بر قدرت ملی وجود دارد. دوم اینکه، عوامل هم کمی و هم کیفی می‌باشند که عوامل کیفی قابل اندازه‌گیری نمی‌باشند و شاخصی برای آن‌ها بیان نشده است. بر اساس نظریه‌های مذکور، مهم‌ترین عوامل موثر بر قدرت ملی سه عامل: جمعیت و ویژگی‌های کمی و کیفی آن؛ کیفیت رهبری، مدیریت، کیفیت حکومت و بالاخره منابع طبیعی، موادخام و معادن دارای بالاترین درصد فراوانی (تکرار) می‌باشد (زرقانی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). همچنین مدل موردبررسی در پژوهش حاضر، برگرفته از مدل حافظ‌نیا و شامل عواملی است که جهت کسب قدرت ملی موردتاکید اکثر کارشناسان می‌باشد.



شکل ۱. الگو و مدل مطالعه قدرت در کشورهای حوزه دریای خزر

## منطقه ژئوپلیتیکی

واژه منطقه در جغرافیای سیاسی به‌گونه‌ای تصادفی استفاده نمی‌شود و در واقع هنگامی این واژه قابل تشخیص است که برخوردار از یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه و متمایز از دیگر مناطق

است که عوامل پیونددهنده اجزای آن به‌خوبی آشکار و قابل تشخیص و شناسایی باشد، از همین‌رو از نظر محیط فیزیکی، یک منطقه باید محیط یکپارچه‌ای باشد، یا دست کم دارای ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژیک مشابه‌ای باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱:۱۹۶). کشورهای خلیج فارس یا شبه‌جزیره عربستان و شبه‌جزیره بالکان از نمونه‌های منطقه ژئوپلیتیکی هستند. به اعتقاد باری‌بوزان کشورهایی که در بُعد امنیتی دارای نگرانی‌های نزدیک به هم می‌باشند و امنیت ملی هر یک از آن‌ها جدا از امنیت ملی یکدیگر نباشد، یک منطقه قلمداد می‌گردد (Buzan, 1991:127). حافظ‌نیا معتقد است: «منطقه ژئوپلیتیکی شامل بخشی از سطح سیاره زمین یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی هم‌جوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی است که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس، هویت مشخص و یا کارکرد مشخص بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز است» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵:۱۴۱).

### قدرت منطقه‌ای

قدرت منطقه‌ای در عرصه بین‌الملل به قدرتی گفته می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی دارای تفاوت مشهودی در ابعاد مختلف قدرت با دیگر کشورهای منطقه باشد. در واقع، قدرت‌های منطقه‌ای قدرتمندترین دولت‌ها در سطح مناطق یا سیستم‌های منطقه‌ای هستند. تعداد قدرت‌های منطقه‌ای در هر منطقه بستگی به وضع توزیع قدرت در آن منطقه دارد. ممکن است در یک منطقه بیش از یک کشور ظرفیت قدرت منطقه‌ای شدن را داشته باشد. در این صورت منطقه شکل تک‌قطبی، دوقطبی و یا چندقطبی پیدا می‌کند (خرازی، ۱۳۹۶). کوهن در نظریه ژئوپلیتیکی خود بر این باور است که محیط از نظر استراتژیک یکپارچه نیست، بلکه دنیا اساساً از هم گسیخته و تقسیم شده و به چند منطقه جدا از هم است. به اعتقاد کوهن، برعکس مناطق ژئواستراتژیک که نماینده گونه ویژه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها در بخش پهناوری از گیتی است؛ منطقه‌های ژئوپلیتیکی شامل بخش‌هایی جغرافیایی کوچکتری در داخل مناطق ژئواستراتژیک است که معمولاً از تجانس جغرافیایی و هماهنگی‌های محیط انسانی بیشتری در یک یا همه زمین‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱:۱۹۸).

کوهن، کشورهای جهان را از نظر سطوح قدرت در پنج گروه از قدرت درجه اول تا درجه پنجم دسته‌بندی می‌کند. به نظر این محقق غربی، قدرت‌های درجه اول، توانایی اعمال نفوذ در سطح جهانی را داشته و عبارتند از: ایالات متحده، اروپا، روسیه، چین و ژاپن. قدرت‌های درجه سوم،

کشورهایی هستند که در حوزه‌های کوچکتری در منطقه ژئوپلیتیکی با هم رقابت دارند. این رقابت‌ها در زمینه‌های ایدئولوژیکی و سیاسی با در اختیار گرفتن منابع منطقه است، اما این کشورها به علت محدودیت توانایی‌های اقتصادی، جمعیتی یا نظامی، قادر به رقابت با قدرت‌های سطوح بالاتر نیستند. قدرت‌های درجه چهارم، تنها در جهت تأثیرگذاری بر همسایگان خود تلاش می‌کنند. قدرت‌های درجه پنجم، کشورهایی هستند که حوزه نفوذشان صرفاً در محدوده جغرافیایی و محیط ملی خودشان است. کوهن قدرت‌های منطقه‌ای را در شمار قدرت‌های درجه دوم قلمداد می‌نماید و آن‌ها را قدرت‌هایی می‌داند که در سطح یک منطقه جغرافیایی عمل کرده و دارای ابعاد زیر هستند:

- تلاش می‌کنند تا خود را به‌عنوان هسته و مرکز منطقه مطرح کنند.
- از جهت اقتصادی و ارتباطی تلاش می‌کنند تا به گره موصلاتی و مرکز منطقه تبدیل شوند.
- نفوذ نظامی را در منطقه دنبال می‌کنند.
- تلاش می‌کنند تا جلوی قدرت‌های جهانی در آن منطقه را بگیرند.
- خواست‌های برتری‌جویانه در کل منطقه دارند، هرچند توفیق زیادی را به همراه نداشته باشد (افشردی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

### منطقه ژئوپلیتیکی دریای خزر

منطقه خزر با واقع شدن در اوراسیا، بخشی از قلمرو ژئواستراتژیکی هارتلند مکیندر محسوب می‌شود که سال‌ها عرصه رقابت و کنش‌گری قدرت‌ها بوده است؛ لذا این منطقه پس از فروپاشی با وجود دگرگونی‌های زیادی در عرصه سیاسی هم‌چنان از مناطق راهبردی در سطح جهان قلمداد می‌شود (احمدی‌پور و لشکری، ۱۳۸۹: ۵). با پیدایش جمهوری‌های نواستقلال، اکنون حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر شامل پنج واحد سیاسی است که نحوه بهره‌برداری از چالش‌های عمده بین آن‌ها می‌باشد. اما در بُعد جهانی، افزون بر موقعیت ژئواستراتژیکی منطقه در قالب تئوری هارتلند، ذخایر بزرگ انرژی مانند نفت و گاز بر اهمیت این حوزه افزوده است. این حوزه تا قبل از فروپاشی شوروی به‌عنوان یک منطقه مستقل شناخته نمی‌شد و شوروی به‌عنوان یک کشور واحد، خود به‌عنوان یک نظام منطقه‌ای قلمداد می‌شد و جمهوری‌های تابعه آن نیز جزئی از آن به‌حساب می‌آمدند. ایران هم در آن مقاطع عضوی از منطقه خلیج فارس و خاورمیانه شناخته می‌شد (قاسمی و ناظری، ۱۳۹۰: ۱۳۹). اکنون این منطقه ژئوپلیتیکی جایگاه ویژه‌ای در معادلات منطقه و جهانی

یافته و بازیگران متعددی به دنبال اعمال نقش در منطقه می‌باشند. روسیه به‌عنوان بازیگر سنتی منطقه، اوراسیا را حیات خلوت<sup>۱</sup> خود می‌داند، از همین رو در پی اعمال مجدد سلطه خود بر منطقه خزر و در رقابت شدید با آمریکا و دولت‌های اروپایی است و سعی دارد با تسلط بر منابع انرژی منطقه به‌عنوان یک ابزار، بر نقش خود به‌عنوان قدرت مسلط در منطقه بیفزاید. آمریکا در سال ۱۹۹۷ میلادی دریای خزر را «منطقه منافع حیاتی» خود اعلام کرد و در سال ۱۹۹۹ میلادی، جنوب روسیه (آسیای مرکزی، خزر و قفقاز) را در قلمرو مسئولیت نیروی سنتکام<sup>۲</sup> (فرماندهی مرکزی آمریکا در خاورمیانه) قرار داد (کرمی، ۱۳۸۳: ۷) و همچنین با طرح استراتژی بازگشت به آسیای مرکزی به دنبال حفظ و تقویت موقعیت رهبری خود در این منطقه است (فرهادی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). اتحادیه اروپا امنیت خود در اوراسیا و به‌طور خاص منطقه خزر را علاوه‌بر مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی، به منابع انرژی و تامین امنیت خطوط انتقال انرژی اروپا (تا سال ۲۰۳۰ سهم گاز مورد نیاز از ۵۷ درصد کنونی به ۸۴ درصد می‌رسد) پیوند می‌دهد (عطایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۲ و کامران، ۱۳۹۲: ۸۸). در واقع می‌توان گفت که آمریکا در منطقه بیشتر به دنبال نفوذ همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی و نظامی و در نتیجه انسداد مرزهای ایران و پس‌راندن روسیه است؛ درحالی‌که اروپا بیشتر به دنبال فتح بازارهای منطقه و منافع اقتصادی است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۸۲). کشور چین هم ضمن برنامه‌ریزی جهت بهره‌برداری از ظرفیت انرژی اوراسیا (دریای خزر) و تمایل به ایجاد یک بازار اقتصادی بزرگ در منطقه با محوریت چین، این دغدغه امنیتی را دارد که به دلیل همجواری با منطقه، امواج اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی، استان مسلمان نشین سین کیانگ<sup>۳</sup> را تهدید کند و حضور آمریکا در منطقه می‌تواند در این راستا موثر واقع شود (کولایی، ۱۳۹۴: ۴۱۰ و کامران، ۱۳۹۲: ۹۳). درخصوص مهم‌ترین مشخصات این منطقه که منجر به ایجاد علائق ژئوپلیتیکی در بازیگران گردیده است را می‌توان چنین برشمرد:

- واقع شدن در بخش شمالی بیضی استراتژیک انرژی: تنها میزان ذخایر احتمالی نفت خزر از ۳ درصد منابع جهان (کولایی، ۱۳۸۴: ۶۱) تا ۲۰ درصد منابع جهان در نوسان بوده و میزان منابع گاز آن نزدیک به دو سوم منابع هیدروکربن منطقه برآورد شده است (میرحیدر و همکاران، ۱۳۸۰: ۶۲).

- واقع شدن در قلمرو استراتژیک بری (هارتلند).



- موقعیت ارتباطی بین شرق و غرب و جنوب و شمال (جهت ترانزیت و حمل‌ونقل کالا و انرژی).
- بازار مصرف (تجهیزات، فناوری و تسلیحات).
- مقابله با تروریسم و رشد بنیادگرایی اسلامی.
- بستر مناسب جهت رقابت در سطوح منطقه‌ای و جهانی برای همه بازیگران منطقه.

### پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت دریای خزر، تاکنون پژوهش‌های فراوانی در خصوص جنبه‌های مختلف این دریا از جمله: محیط‌زیست منطقه، رژیم حقوقی دریا، انرژی منطقه و روش انتقال آن، نقش قدرت‌های خارجی در منطقه و... انجام گرفته است. همچنین از آنجا که روند قدرت‌یابی هر یک از کشورهای همسایه در منطقه خزر نقش مهمی در معادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی بین کشورها در منطقه دارد، ارزیابی و تحلیل مستمر روند افزایش قدرت آن کشورها در ابعاد مختلف می‌تواند کمک شایانی جهت برنامه‌ریزی و آینده‌نگری در قبال تهدیدات فراهم نماید و راهبرد کشور را نسبت به تحولات مشخص و سمت‌وسو دهد. در خصوص ارزیابی سطوح قدرت بازیگران در سطح مناطق مختلف تحقیقات متعددی انجام گردید است؛ برای نمونه حافظ‌نیا و همکاران در پژوهشی تحت‌عنوان «ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در افریقا» با تعیین سطح و وزن ژئوپلیتیکی هر یک از کشورها با توجه به عوامل هشت‌گانه موثر در قدرت ملی و شاخص‌های آن به رده‌بندی سطوح قدرت در این منطقه پرداخته‌اند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

افشردی و مدنی در پژوهشی تحت‌عنوان «ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه» به‌منظور تعیین منزلت ژئوپلیتیکی کشورهای این منطقه، مولفه‌ها و عوامل مختلف مادی و غیرمادی قدرت که در واقع وزن ژئوپلیتیکی کشورها را تعیین می‌کند، پرداخته‌اند (افشردی و مدنی، ۱۳۸۸: ۱۱۳). احمدی‌پور و حسینی در پژوهشی تحت‌عنوان «ماهیت رقابت در منطقه ژئوپلیتیکی خزر» به بررسی تاکتیک‌های قدرت‌های بزرگ برای رقابت در منطقه پرداخته و مهم‌ترین این تاکتیک‌ها را دیپلماسی، تبلیغات، ابزار اقتصادی- نظامی، قدرت و اتحاد و ائتلاف معرفی نموده‌اند (احمدی‌پور و حسینی، ۱۳۹۴: ۹۳).

قاسمی و ناظری در پژوهشی تحت‌عنوان «تحولات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ در این منطقه» با بررسی نقش مداخلات قدرت‌های بزرگ در این منطقه پس از

فروپاشی شوروی به این نتیجه رسیده‌اند که برخلاف گذشته که مداخلات خارجی عامل ثبات در منطقه بوده در سال‌های بعد از ۱۹۹۱ میلادی، مداخلات نقش بی‌ثبات‌کننده‌ای داشته است (قاسمی و ناظری، ۱۳۹۰: ۱۳۶). در مجموع می‌توان بیان کرد که پژوهش‌های قبلی به وزن ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه خزر اشاره‌ای نکرده‌اند که در پژوهش حاضر به این مورد پرداخته می‌شود.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق کاربردی است که به روش توصیفی - تحلیلی با طراحی مدل سنجش ماتریسی، وزن ژئوپلیتیکی کشورها را بر اساس شاخص‌ها و عناصر مختلف سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سرزمینی، نظامی، علمی محاسبه و پس از کمی‌سازی آن‌ها، سطوح مختلف قدرت کشورها را طبقه‌بندی می‌کند. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای (فیش‌برداری، جدول، استفاده از داده‌های آماری) و ترکیبی از منابعی چون کتاب، مجله، فصلنامه، منابع اینترنتی (به‌منظور به‌روز بودن آمار و اطلاعات مورد نیاز از آخرین منابع اینترنتی موجود و معتبر استفاده شده است)، آمار و اطلاعات مربوط به سایت‌های داخلی و خارجی است.

به‌طور کلی ارزیابی وزن ژئوپلیتیکی، قدرت ملی کشورها و طبقه‌بندی آن‌ها برای دستیابی به یک نظام قدرت منطقه‌ای با استفاده از مدل سنجش ماتریسی در حوزه جغرافیای سیاسی از نوآوری برخوردار است (اعظمی، ۱۳۸۵: ۴۲). همچنین طراحی مدل سنجش وزن ژئوپلیتیکی نیز از جنبه‌های بدیع پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

با توجه به تنوع و تعدد عوامل و متغیرهای سنجش قدرت ملی کشورها و قابل‌سنجش آماری نبودن بعضی از آن‌ها بنا به ضرورت ۱۲۵ متغیر بنیادین در شش فاکتور انتخاب و دسته‌بندی گردیده و سپس به سنجش آن‌ها پرداخته می‌شود. برای بررسی وزن ژئوپلیتیکی شش پارامتر پایه که شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سرزمینی، نظامی، سیاسی و علمی وجود دارند که هر کدام از این پارامترها خود دارای متغیرهای متعددی هستند، سعی شده مهم‌تر و تأثیرگذارترین متغیرها انتخاب شود که شامل ۱۲۵ متغیر در ابعاد مختلف است، مورد ارزیابی قرار گیرند.

با توجه به تنوع و تعدد عوامل و متغیرهای مورد استفاده، برای سنجش آن‌ها، بنا به مورد و ضرورت از روش محاسبه مقادیر مطلق، مقادیر نسبی و روش ترکیبی ابداعي (قراردادی) استفاده شده است. برای محاسبه و یکسان‌سازی مقادیر نسبی از روش سهم درصد متغیرها برای کل

کشورهای حوزه خزر استفاده شده است؛ یعنی مجموع متغیرهای نسبی کل کشورهای منطقه محاسبه و درصدی را که هر یک از کشورها به خود اختصاص داده‌اند، همان امتیاز کشور محسوب شده است. در روش امتیازدهی قراردادی، متغیرهایی که منفی هستند، مانند میزان رشد اقتصادی در پنج سال، همان مقدار منفی استفاده شده و عواملی مانند تعداد کودتا که جزء مقادیر نسبی هستند، اما وجود آن‌ها یک ضعف تلقی می‌شود را به تعداد کودتا یک امتیاز منفی داده شده است. مثلاً ایران با ۴ کودتا داری امتیاز ۴- است. در متغیرهایی که وجود آن‌ها منفی است، اما دارای عدد منفی نیستند بعد از محاسبه، آن‌ها را به صورت منفی درآورده می‌شوند. برای مثال، نرخ تورم ایران ۲۴.۰۹ است را به صورت ۲۴.۰۹- درآورده شده که میزان منفی بودن این عوامل برای قدرت ملی یک کشور مورد بررسی قرار گیرد.

#### (مثال برای مقادیر مطلق)

امتیاز متغیر تعداد جمعیت

$$\text{جمعیت کل منطقه} = ۲۵۸۶۸۱۴۸۳$$

$$\text{جمعیت کشور ایران} = ۸۰۸۰۱۶۳۳$$

$$\text{درصد جمعیت ایران از کل منطقه} = ۳۱ = ۲۵۸۶۸۱۴۸۳ \div ۱۰۰ \times ۸۰۸۰۱۶۳۳$$

$$\text{بنابراین امتیاز متغیر تعداد جمعیت ایران} = ۳۱$$

امتیاز متغیر مساحت

$$\text{مساحت منطقه} = ۲۲۰۴۶۰۳۷ \text{ کیلومتر مربع}$$

$$\text{مساحت کشور ایران} = ۱۶۴۸۱۹۵ \text{ کیلومتر مربع}$$

$$\text{درصد مساحت ایران از کل منطقه} = ۷.۴۷ = ۲۲۰۴۶۰۳۷ \div ۱۰۰ \times ۱۶۴۸۱۹۵$$

#### (مثال برای مقادیر نسبی)

$$\text{امتیاز متغیر سرانه تلویزیون در ۱۰۰۰ نفر مجموع سرانه تلویزیون کشورهای منطقه} = ۲۵۶۳.۸$$

$$\text{سرانه تلویزیون ایران} = ۶۲۴.۱$$

$$\text{درصد سرانه تلویزیون ایران} = ۲۴.۳۴ = ۲۵۶۳.۸ \div ۱۰۰ \times ۶۲۴.۱$$

#### (مثال برای امتیازات قراردادی)

امتیاز بدهی‌های خارجی هر مقداری که طبق اصول سنجشی بالا به دست آمد منفی قرار داده

می‌شود، بدهی خارجی ایران  $GDP = ۳.۴۷$  است که در محاسبات را به صورت  $GDP = -۳.۴۷$  تغییر داده شده است.

امتیاز تعداد کودتا برای هر کودتا یک منفی (۴ کودتا -) در متغیرهای مانند تعداد همسایگان، نزدیکی به تنگه، دارای توان هسته‌ای و... یک امتیاز مثبت برای کشورهای دارنده و کشورهایی که فاقد آن هستند، امتیاز صفر مدنظر قرار داده می‌شود. مقادیری مانند: جمعیت زیرخط فقر، قتل، شیوع ایدز، نرخ مهاجرت و... امتیاز به‌دست‌آمده، منفی قرار داده می‌شود.

نکته قابل توجه اینکه در اندازه‌گیری امتیاز متغیرها به ماهیت آن‌ها توجه شده است؛ یعنی برای آن‌ها که نقش مثبت در قدرت ملی دارند، امتیاز مثبت لحاظ شده و برای آن‌ها که نقش منفی ایجاد می‌کنند، امتیاز منفی مدنظر قرار داده شده است؛ سپس بر اساس میزان امتیاز، کشورها سطح بندی می‌شوند. کشوری که بیشترین امتیاز را داشته باشد، به‌عنوان قدرت اول منطقه و سایر کشورها را بر اساس امتیاز در رده‌های بعدی قرار داده خواهند شد.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

### بررسی و رتبه‌بندی کشورها بر اساس عوامل شش‌گانه

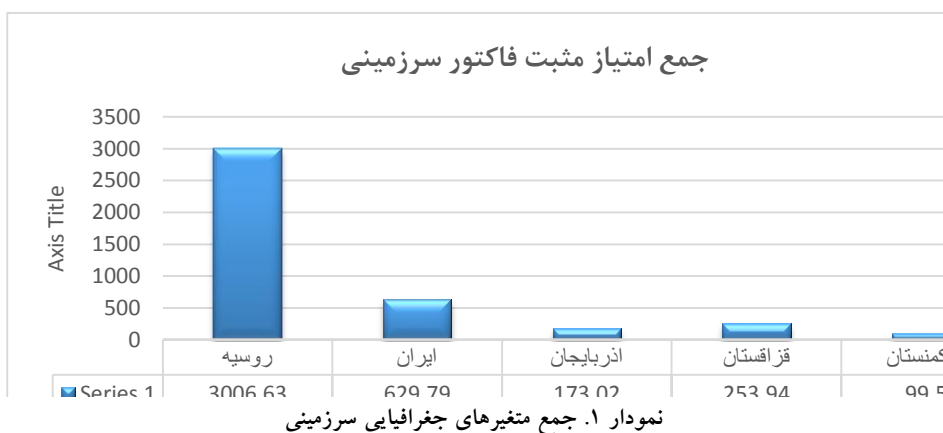
نمرات مثبت و منفی متغیرهای تعیین‌کننده وزن ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه خزر در جدول ذیل (جدول شماره ۱) ارائه می‌گردد:

جدول ۱. نمرات مثبت و منفی متغیرهای تعیین‌کننده وزن ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه خزر

نمرات عوامل	روسیه		ایران		قزاقستان		آذربایجان		ترکمنستان	
	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی
اقتصادی	۸۵۷.۲۶	۱۱۴.۸۲	۸۱۴.۶۶	۷۴.۶۹	۳۹۲.۵۶	۱۹۰.۰۹	۲۳۴.۵۳	۱۲۲.۴۴	۲۸۰.۳۱	۸۸.۲۸
اجتماعی و فرهنگی	۴۶۸.۲۵	۱۵۹.۷۵	۴۰۹.۱۷	۱۵۹.۴۹	۳۶۲.۲۵	۹۳.۱۴۵	۳۴۶.۷۹	۹۷.۵۶	۳۰۵.۷۵	۹۳.۸۸
سیاسی	۱۹۵.۳	-۴	۱۱۱.۴	-۴	۱۷۵.۴۳	۰	۱۳۴.۸۱	-۲	۱۵۳.۶۳	۰
علمی	۹۲۹۹.۵	۰	۸۰۴۳.۲۱	۰	۱۵۶.۸۹	۰	۱۶۰.۷۳	۰	۴۷.۳	۰
نظامی	۷۰۹۳۰.۳۴	۰	۸۹۷۳.۹۲	۰	۴۱۲۸.۱	۰	۲۹۰.۴۱	۰	۳۲۸۰.۹۴	۰
سرزمینی	۳۰۰۶.۶۳	۰	۶۲۹.۷۹	۰	۲۵۳.۹۴	۰	۱۷۳.۰۲	۰	۹۹.۵۸	۰
جمع نمرات	۸۴۷۵۷.۴۸		۱۸۹۸۲.۱۵		۵۴۶۹.۱۷۵		۳۹۵۴.۰۲		۴۱۶۷.۵۱	

### الف) عامل سرزمینی

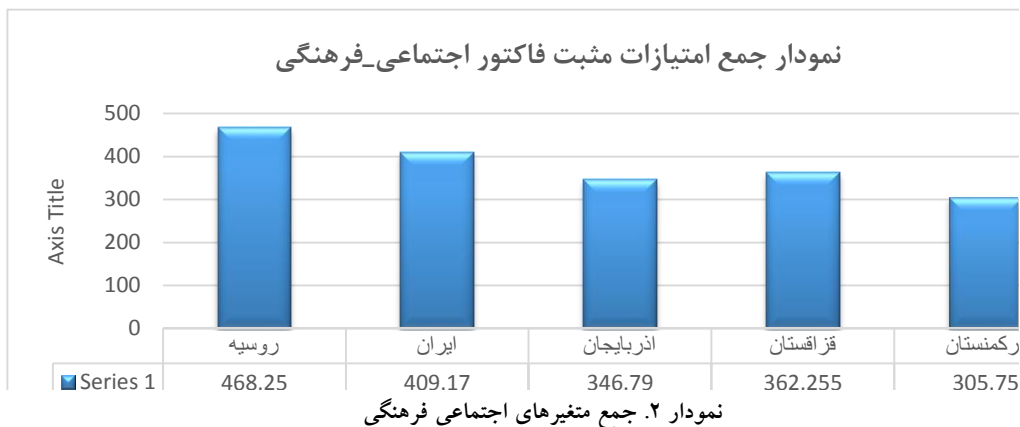
جغرافیای سرزمین مورد بررسی در این پژوهش شامل: مساحت کل منطقه، مساحت خاکی، مساحت آبی، مرز زمینی، مرز آبی، شاخص مرز به جمعیت، تراکم نسبی جمعیت به مساحت، سیستم حمل‌ونقل هوایی ملی، موجودی از هواپیما، فرودگاه‌ها با باند آسفالت شده، فرودگاه بین‌المللی، راه‌آهن، کیلومتر، جاده آسفالت، ناوگان بازرگانی، بندرها و پایانه هستند که از روش (کل منطقه  $\div 100 \times$  متغیر کشور) استفاده شده که نتیجه به دست آمده به عنوان نمره کشور در آن شاخص مدنظر قرار گرفته. در امتیازدهی به متغیرهای سرزمینی از نمره منفی استفاده نشده است. نمودار شماره ۱ نشان دهنده وزن کشورهای در متغیرهای سرزمینی است که روسیه با امتیاز ۳۰۰۶.۶۳ رتبه اول، ایران با امتیاز ۶۲۹.۷۹ رتبه دوم، قزاقستان با امتیاز ۲۵۳.۹۴ رتبه سوم، آذربایجان با امتیاز ۱۷۳.۰۲ رتبه چهارم و ترکمنستان با امتیاز ۹۹.۵۸ رتبه آخر را در پارامتر سرزمینی کسب کرده‌اند.



### ب) عامل اجتماعی - فرهنگی

متغیرهای اجتماعی فرهنگی مورد بررسی در این پژوهش شامل: جمعیت، جمعیت سنی بین ۲۵ تا ۵۴، نرخ رشد جمعیت، نرخ تولد در هر ۱۰۰۰ نفر، نرخ مرگ در هر ۱۰۰۰ نفر، نرخ مهاجرت خالص در هر ۱۰۰۰ نفر، جمعیت شهری، نرخ شهرنشینی، نسبت جنسی در هنگام تولد، نرخ مرگومیر مادران، ۱۰۰,۰۰۰ نرخ مرگومیر کودکان ۱,۰۰۰، امید به زندگی در بدو تولد، نرخ باروری کل، میزان شیوع بارداری، تعداد پناهندگان، شاخص توسعه انسانی، تعداد مدال المپیک، تعداد توریست، مخارج بهداشتی، تراکم پزشکان در هر ۱۰۰۰ نفر، تخت بیمارستان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر،

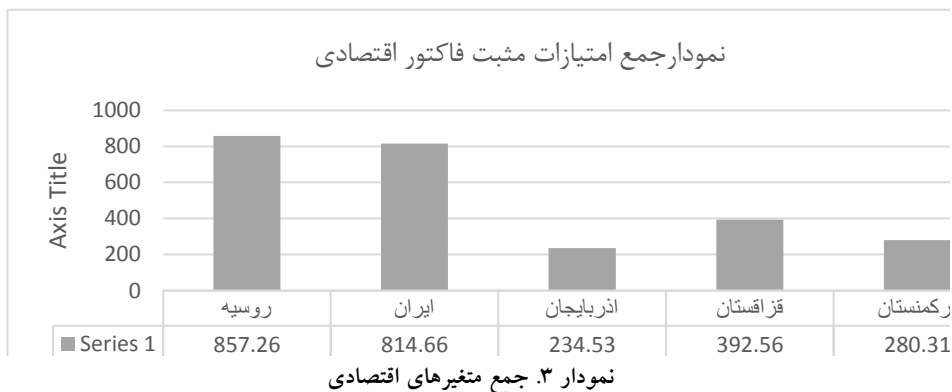
جمعیت محروم از آب سالم، جمعیت دست‌نیافته به مرکز بهداشت، متوسط سن مادر در هنگام تولد اول، میزان شیوع HIV / AIDS در بزرگسالان، هزینه آموزش و پرورش، جمعیت باسواد، بیکاری جوانان سنین ۱۵-۲۴، کنترل فساد، قتل در هر ۱۰۰۰ نفر، جمعیت زیرخط فقر. برای نمره‌دهی از روش (کل منطقه ÷ ۱۰۰ × متغیر کشور استفاده‌شده) با این تفاوت که در متغیرهایی که وجود منفی دارند مانند نرخ مهاجرت خالص در ۱۰۰۰ نفر، جمعیت محروم از آب سالم، جمعیت دست‌نیافته به مرکز بهداشت میزان شیوع HIV / AIDS در بزرگسالان، جمعیت زیرخط فقر، بیکاری جوانان سنین ۱۵-۲۴، قتل در ۱۰۰۰ نفر؛ امتیازهای به‌دست‌آمده را تبدیل به منفی کرده‌ایم تا از مجموع امتیازات کسر شوند مثلاً در بیکاری جوانان کشوری که دارای امتیاز منفی است، یعنی آن کشور جوان بیکار ندارد اما اگر دارای امتیاز مثبت بود یعنی دارای جوانان بیکار است که این یک اثر منفی تلقی می‌شود. برای همین منظور در نوع نمره‌دهی از روشی معکوس استفاده شده، لذا کشوری که دارای نمره منفی بود را مثبت کردیم و کشورهایی که دارای نمره مثبت بودند را منفی کرده‌ایم. با این تفاسیر رتبه کشورها در متغیر اجتماعی فرهنگی بدین صورت است: روسیه با امتیاز ۴۶۸.۲۵ رتبه اول، ایران با امتیاز ۴۰۹.۱۷ رتبه دوم، قزاقستان با امتیاز ۳۶۲.۲۵۵ رتبه سوم، آذربایجان با امتیاز ۳۴۶.۷۹ رتبه چهارم و ترکمنستان با امتیاز ۳۰۵.۷۵ رتبه آخر را کسب کرده‌اند.



### ج) عامل اقتصادی

متغیرهای اقتصادی مورد بررسی در این پژوهش شامل: درآمد، هزینه‌ها، درآمد حاصل از مالیات، مازاد بودجه، بدهی عمومی، نرخ تورم، واردات، تراز تجاری، ذخایر ارز و طلا، بدهی خارجی، سهام

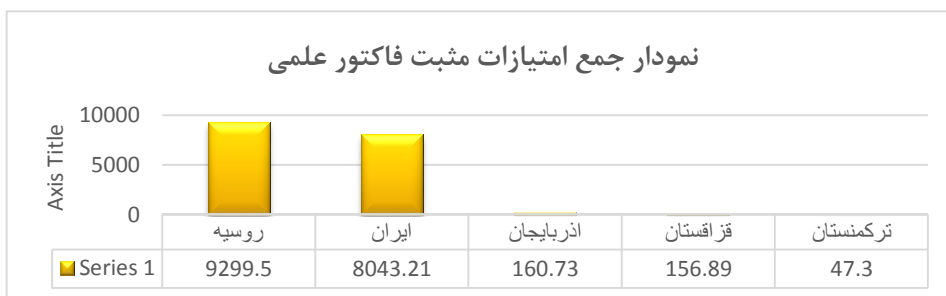
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خانه، سهام سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج از کشور، تولید برق کیلووات ساعت، مصرف کیلووات ساعت برق، صادرات کیلو وات ساعت، میزان تولید نفت خام، ذخایر اثبات‌شده نفت خام، صادرات فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده، ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی، صادرات گاز طبیعی، تولید گاز طبیعی، میزان صادرات، تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی نرخ رشد واقعی، درآمد سرانه، سرمایه‌گذاری در سرمایه ثابت، صادرات محصولات و خدمات، واردات کالا و خدمات صنعتی، نرخ رشد تولید، میزان پیشرفت اقتصادی در ۵ سال، مصرف غلات نسبت به تولید، تغییر سالانه در رشد GDP، میزان انتشار دی‌اکسید کربن از مصرف انرژی در متغیرهای اقتصادی روش محاسبه از روش برای نمره دهی از روش (کل منطقه ÷ ۱۰۰ × متغیر کشور) استفاده‌شده، با این تفاوت که در متغیرهایی که وجود منفی دارند مانند میزان پیشرفت اقتصادی در ۵ سال بدهی خارجی که خود دارای مقادیر منفی بودند اما در متغیر نرخ تورم که خود وجودی منفی تلقی می‌شود امتیاز به‌دست‌آمده کشورها را منفی کرده‌ایم؛ اما در متغیرهای مصرف غلات و واردات کالا و خدمات از روش معکوس استفاده‌شده یعنی کشورهایی که دارای امتیاز منفی بوده یعنی عدم واردات داشتند را مثبت و کشورهایی که امتیاز مثبت داشتند که نشانگر واردات بوده را منفی کرده‌ایم که رتبه کشورها بر این اساس بدین‌صورت شده است. روسیه با امتیاز ۸۵۷.۲۶ رتبه اول ایران با امتیاز ۸۱۴.۶۶ رتبه دوم قزاقستان با امتیاز ۳۹۲.۵۶ رتبه سوم ترکمنستان با امتیاز ۲۸۰.۳۱ رتبه چهارم و آذربایجان با امتیاز ۲۳۴.۵۳ رتبه آخر را کسب کرده‌اند.



#### د) عامل علمی

متغیرهای علمی مورد بررسی در این پژوهش شامل: دارای دانش هسته‌ای، تعداد مقالات isi، تعداد مقالات در حوزه نانو، اشتراک خطوط ثابت تلفن در تر ۱۰۰ نفر، کاربران اینترنت درصد از

جمعیت، تعداد تلویزیون به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، تلفن همراه در هر ۱۰۰ از روش برای نمره دهی از روش (کل منطقه ÷ ۱۰۰ × متغیر کشور) استفاده شده و در متغیرهای دارای دانش هسته‌ای هر کشور که دارای دانش هسته‌ای بوده نمره ۱ و کشورهای که نداشتند نمره صفر داده‌ایم اما در متغیر تعداد مقالات ISI بدون استفاده از فرمول یعنی میزان مقالات چاپ شده در یک سال را به‌عنوان داده مثبت استفاده کرده‌ایم. در متغیرهای علمی نمره منفی مورد استفاده قرار نگرفته است. رتبه کشورها در این پارامتر بدین صورت است: روسیه با امتیاز ۹۲۹۹.۵ رتبه اول، ایران با امتیاز ۸۰۴۳.۲۱ رتبه دوم، آذربایجان با امتیاز ۱۶۰.۷۳ رتبه سوم، قزاقستان با امتیاز ۱۵۶.۸۹ رتبه چهارم و ترکمنستان با امتیاز ۴۷.۳ رتبه آخر را کسب کرده‌اند.

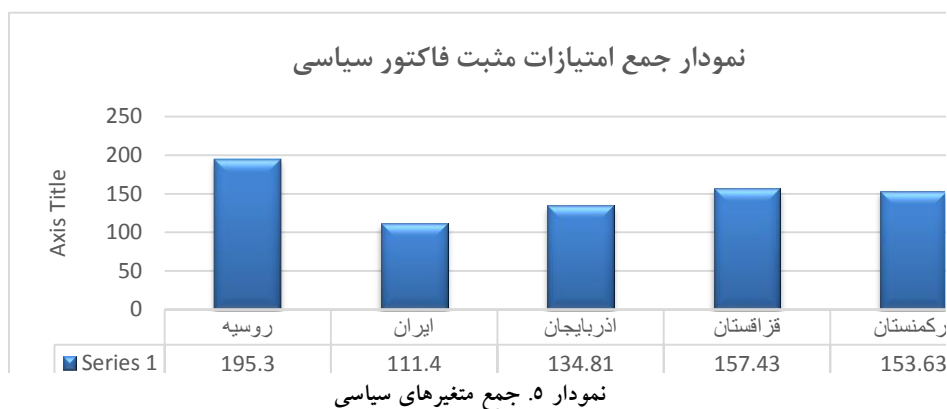


نمودار ۴. جمع متغیرهای علمی

### ه) عامل سیاسی

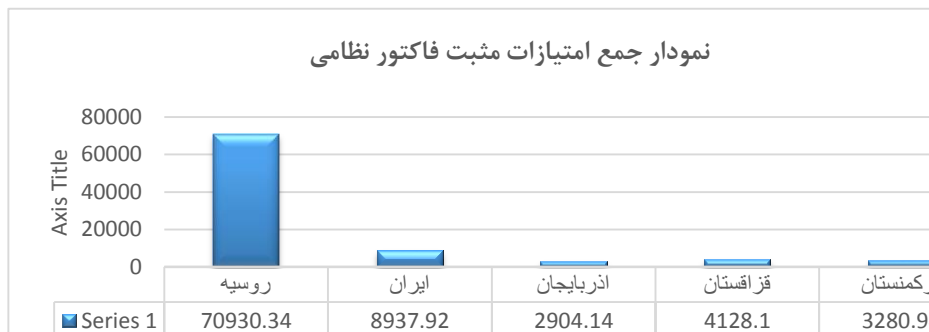
متغیرهای سیاسی مورد بررسی در این پژوهش شامل: شاخص فساد، تعداد کودتاها، شاخص ثبات سیاسی، شاخص اثربخشی دولت، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و حاکمیت قانون. در روش امتیازدهی به متغیرهای سیاسی در متغیر کودتاها برای هر کودتا یک نمره منفی احتساب شده و کشورهایی که کودتا نداشتند نمره صفر داده شده است. در متغیر شاخص فساد به دلیل اینکه هرچه نمره در این شاخص پایین‌تر باشد نشانگر فساد بالاتر است ما از روش ابداعی بدین صورت که بهترین نمره در این شاخص را نمره یک دادیم و به ازای کم شدن نمره از بالاترین نمره یک صدم کم کرده‌ایم مثلاً روسیه با نمره ۳۰ بالاترین نمره را دارد را نمره ۱ دادیم و ایران با نمره ۲۹ در شاخصه را نمره ۹ دادیم و به همین صورت تا آذربایجان با نمره ۱۷ در شاخصه نمره ۰۰۷. داده‌ایم و در دیگر متغیرها بدون احتساب نمره منفی و استفاده از فرمول امتیاز به‌دست آمده عیناً مورد استفاده قرار گرفته است.





### (و) عامل نظامی

متغیرهای نظامی مورد بررسی در این پژوهش شامل: امتیاز شاخص قدرت، رسیدن به سن مناسب برای خدمات، رسیدن به سن نظامی سالانه، کارکنان خط‌مقدم فعال، نیروی ذخیره فعال، تانک، وسایل نقلیه زرهی، خودرو نظامی، توپخانه پشتیبان، دستگاه‌های پرتاب موشک، هواپیما، بالگرد آموزشی، هواپیما بمب‌افکن هواپیمای حمل‌ونقل نظامی، هواپیمای آموزشی، بالگرد، بالگرد تهاجمی، کل نیروی دریایی، ناوهای هواپیمابر، ناوچه، ناوشکن، رزمناور، زیردریایی، دفاع ساحلی، کشتی مین‌گذار، نیروی انسانی نظامی، بودجه دفاعی. در متغیرهای نظامی از هیچ فرمولی برای امتیازدهی استفاده نشده است و هیچ نمره منفی احتساب نشده است. بدین ترتیب روسیه با امتیاز ۷۰۹۳۰.۳۴ رتبه اول ایران با امتیاز ۸۹۷۳.۹۲ رتبه دوم قزاقستان با امتیاز ۴۱۲۸۱ رتبه سوم، ترکمنستان با امتیاز ۳۲۸۰.۹۴ رتبه چهارم و آذربایجان با امتیاز ۲۹۰۴.۱۴ رتبه پنجم در متغیر را کسب کرده‌اند.



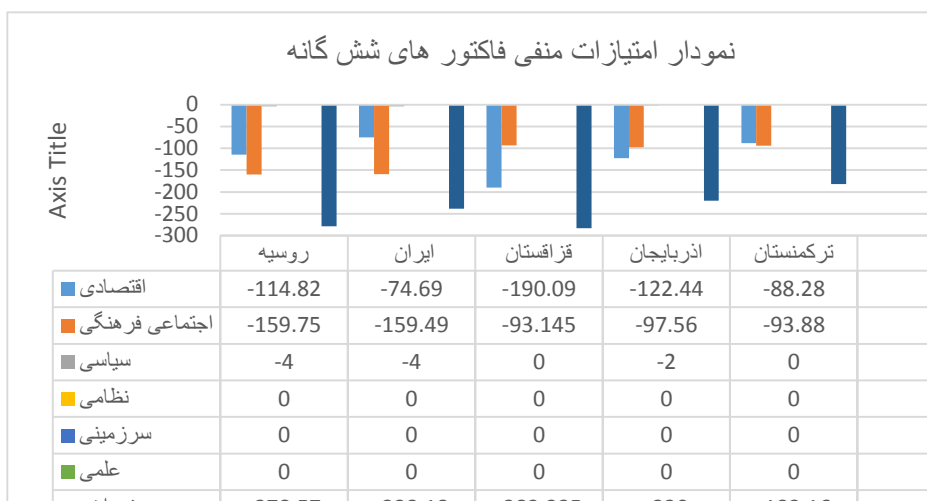
نمودار ۶. جمع متغیرهای نظامی

طبق آمار به دست آمده به ترتیب: در متغیرهای اقتصادی ایران رتبه یک و قزاقستان رتبه آخر را کسب کرده‌اند. در متغیرهای اجتماعی- فرهنگی ایران رتبه یک، روسیه رتبه دوم و ترکمنستان رتبه آخر را دارند. در متغیر سیاسی آذربایجان رتبه یک و ایران رتبه آخر را دارد. در متغیرهای نظامی روسیه رتبه یک ایران رتبه دوم و ترکمنستان رتبه آخر را دارا است. در متغیرهای سرزمینی روسیه رتبه یک ایران رتبه دوم و ترکمنستان رتبه آخر را دارا است.



نمودار ۷. جمع امتیازات ۱۲۵ متغیر از فاکتورهای شش‌گانه کشورهای حاشیه دریای خزر

طبق نمودار شماره ۷، به ترتیب روسیه رتبه ۱ منطقه با امتیاز ۸۴۷۵۷.۲۸، ایران با ۱۸۹۴۶.۱۵ امتیاز رتبه ۲، قزاقستان با ۵۴۵۱.۱۷۵ رتبه سوم، ترکمنستان با ۴۱۶۷.۵۱ امتیاز رتبه ۴ و آذربایجان با ۳۹۵۴.۰۲ امتیاز رتبه آخر در منطقه را در جمع امتیازات مثبت دارا هستند.



نمودار ۸. امتیازهای منفی فاکتورهای شش‌گانه

با توجه به نمودار بالا (نمودار شماره ۸) در امتیازات منفی متغیرهای شش‌گانه به ترتیب: در فاکتور اقتصادی قزاقستان با امتیاز  $-190.09$  رتبه اول سپس روسیه با امتیاز  $-114.82$  رتبه دوم، آذربایجان  $-122.44$  رتبه سوم، ترکمنستان  $-88.28$  رتبه چهارم، ایران  $-74.69$  پنجم را کسب کرده‌اند که نشانگر عملکرد نسبتاً خوب ایران در کاهش امتیازات منفی خود است. در فاکتور اجتماعی-فرهنگی روسیه با امتیاز منفی  $-159.75$  رتبه اول، سپس ایران با امتیاز  $-159.49$  رتبه دوم، آذربایجان با امتیاز  $-97.56$  رتبه سوم، ترکمنستان با امتیاز  $-93.145$  رتبه چهارم، قزاقستان با امتیاز  $-93.88$  رتبه پنجم را کسب کرده‌اند که می‌توان عملکرد منفی کشورها را در این عامل را بررسی کرد. در متغیر سیاسی ایران و روسیه با امتیاز  $-4$  اول سپس آذربایجان با امتیاز  $-2$  رتبه آخر در این متغیر کسب کرده‌اند؛ کشورهای ترکمنستان و قزاقستان دارای امتیاز منفی نبوده‌اند. در متغیر علمی و نظامی به دلیل اینکه از هیچ پارامتر منفی استفاده نشده به تبع آن نمره منفی وجود ندارد. در آخر رتبه کشورها در امتیاز منفی بدین ترتیب است: قزاقستان با جمع امتیاز منفی  $-283.235$  رتبه اول سپس روسیه با امتیاز منفی  $-287.057$  رتبه دوم ایران با امتیاز  $-238.18$  رتبه سوم آذربایجان با امتیاز  $-220$  رتبه چهارم و ترکمنستان  $-182.16$  رتبه آخر را در امتیازات منفی کسب کرده‌اند؛ بنابراین قزاقستان ضعیف‌ترین عملکرد را داشته سپس روسیه بعد ایران و آذربایجان و در آخر ترکمنستان. با توجه به امتیازات منفی در این فاکتور عملکردهای منفی دولت‌ها در فاکتور ها مشخص است که دولت‌ها با توجه به نمرات منفی در فاکتور و متغیرها می‌توانند با برنامه‌ریزی برای بهبود آن شاخص‌ها اقدام نمایند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

### الف) نتیجه‌گیری

با بررسی، محاسبه و مقایسه ۱۲۵ متغیر در قالب عوامل شش‌گانه اقتصادی، سیاسی، سرزمینی، اجتماعی- فرهنگی، نظامی و علمی مؤثر در تشکیل و تعیین میزان قدرت ملی، کشورهای حاشیه دریای خزر بر اساس وزن ژئوپلیتیکی و به تبع آن میزان قدرت ملی رتبه‌بندی شده‌اند. بر اساس این رتبه‌بندی به‌طور کلی در منطقه ۳ سطح قدرت وجود دارد:

- قدرت درجه ۱ شامل روسیه با امتیاز ۸۴۷۵۷.۲۸ قدرت در سطح سازه‌ای.
- قدرت درجه ۲ شامل ایران با امتیاز ۱۸۹۴۶.۱۵ قدرت با برد منطقه‌ای.
- قدرت‌های درجه ۳ شامل قزاقستان با امتیاز ۵۴۵۱.۱۷۵ ترکمنستان با امتیاز ۴۱۶۷.۵۱ آذربایجان با امتیاز ۳۹۵۴.۰۲ قدرت‌های ملی.

با نتایج به‌دست‌آمده در فاکتورهای شش‌گانه به ترتیب: در بعد اقتصادی روسیه با امتیاز ۸۵۷.۲۶ اول، ایران با امتیاز ۸۱۴.۶۶ دوم، قزاقستان با امتیاز ۳۹۲.۵۶ سوم، ترکمنستان با امتیاز ۲۸۰.۳۱ چهارم و آذربایجان ۲۳۴.۵۳ امتیاز رتبه پنجم در منطقه کسب کرده‌اند. در بعد سیاسی به ترتیب: روسیه با امتیاز ۱۹۵.۳ رتبه اول، قزاقستان با امتیاز ۱۵۷.۴۳ دوم، ترکمنستان با امتیاز ۱۵۳.۶۳ سوم و آذربایجان با امتیاز ۱۳۴.۸۱ چهارم و ایران با امتیاز ۱۱۱.۴ رتبه آخر را کسب کردند. در بعد اجتماعی - فرهنگی به ترتیب: روسیه با امتیاز ۴۶۸.۲۵ اول، ایران با امتیاز ۴۰۹.۱۷ دوم، قزاقستان با امتیاز ۳۶۲.۵۵ سوم، آذربایجان با امتیاز ۳۴۶.۷۹ چهارم، ترکمنستان با امتیاز ۳۰۵.۷۵ پنجم. در بعد نظامی روسیه با امتیاز ۷۰۹۳۰.۳۴ اول، ایران با امتیاز ۸۹۷۳.۹۲ دوم، قزاقستان با امتیاز ۴۱۲۸.۱ سوم، ترکمنستان با امتیاز ۳۲۸۰.۹۴ چهارم و آذربایجان با امتیاز ۲۹۰۴.۱۴ پنجم. در بعد

علمی به ترتیب: روسیه با امتیاز ۹۲۹۹.۵ اول، ایران با امتیاز ۸۰۴۳.۲۱ دوم، آذربایجان با امتیاز ۱۶۰.۷۳ سوم، قزاقستان با امتیاز ۱۵۶.۸۹ چهارم، ترکمنستان با امتیاز ۴۷.۳ پنجم. در بعد سرزمینی به ترتیب: روسیه با امتیاز ۳۰۰۶.۶۳ اول، ایران با امتیاز ۶۲۹.۷۹ دوم، قزاقستان با امتیاز ۲۵۳.۹۴ سوم، آذربایجان با امتیاز



مدل شماره ۲: ساختار قدرت کشورهای حاشیه خزر (ترسیم از نگارندگان)

۱۷۳.۰۲ چهارم و ترکمنستان با امتیاز ۹۹.۵۸ پنجم.

پس از بررسی جایگاه و وزن ژئوپلیتیکی کشورها بر اساس مجموع عوامل شش‌گانه، مشخص شد که ترکمنستان قزاقستان و آذربایجان به ترتیب رتبه‌های ۳ تا ۵ را به خود اختصاص دادند البته با اختلاف بسیار اندک؛ اما آن چیز که قابل تأمل است آذربایجان با وجودی که بیشتر در منطقه مدنظر قرار گرفته و تبدیل به یک عنصر قدرت‌طلب در منطقه شده است در محاسبات قدرت ملی در منطقه رتبه آخر با کمترین نمره کسب کرده است؛ اما ایران با کسب نمره ۱۸۹۴۶ از نظر میزان قدرت ملی در میان ۵ کشور حاشیه دریای خزر رتبه دوم را کسب کرده است. ایران در همه متغیرها رتبه دوم را دارا است به‌جز در شاخص سیاسی که با نمره ۱۱۱.۴ رتبه پنجم یعنی ضعیف‌ترین کشور در این شاخصه است. بر اساس نتایج مشخص شد ایران در منطقه جایگاه مناسبی دارد اما نمره تراز ایران به نسبت عوامل شش‌گانه پایین‌تر از حد انتظار است؛ زیرا ایران دارای مزیت‌های سرزمینی، اجتماعی، فرهنگی و... بیشتری نسبت به دیگر کشورهای حوزه خزر است. با این وجود می‌توان گفت؛ ایران دارای مزیت‌ها و فرصت‌های مناسبی در زمینه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی است که بیشتر مربوط به عوامل سرزمینی و اقتصادی و نظامی و علمی است؛ موضوعی که از آن استفاده و برداشت کافی نشده و نمی‌شود؛ بنابراین مناسب است با اشراف کامل بر ارزش این مزیت‌ها و قدرت این مزیت‌ها درک درستی از تصمیم‌گیری‌ها و تدوین استراتژی و راهبردهای تأمین منافع ملی به دست آید تا در ارتقای قدرت ملی و منافع ملی به کار گرفته شود. ایران اگرچه در عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نظامی و سرزمینی رتبه دوم را به دست آورده است و دارای نمره نسبتاً مناسبی است با این وجود برای تبدیل شدن به یک قدرت تأثیرگذار در حوزه خزر راه زیادی در پیش دارد؛ اما ایران در بعد سیاسی بسیار ضعیف عمل کرده و رتبه ۵ را کسب کرده که نشانگر این موضوع است که ایران باید در برطرف کردن و افزایش سطح عوامل سیاسی بسیار تلاش کند.

در مجموع با پیدایش کشورهای مستقل جدید در این منطقه ژئوپلیتیکی، علاوه‌بر کاهش قدرت روسیه به‌عنوان یک قدرت سازه‌ای جهت مقابله با رقبای فرامنطقه‌ای که قصد توسعه دامنه نفوذ خود به دریای خزر دارند؛ استقلال سه کشور جدید دیگر قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان و روند قدرت‌یابی این کشورها که به کمک‌های خارجی وابستگی شدیدی دارند، زمینه تعامل و همکاری آن‌ها را با نهادها و سازمان‌های فرامنطقه‌ای بیشتر نموده که همکاری تحت عناوین مختلف با سازمان ناتو و یا شکل‌گیری نهادهای امنیتی چون گوام و... روند تعاملات منطقه‌ای و

فرمانطقه‌ای را به شدت امنیتی نموده است. همچنین بحران قره باغ، آبخازیا، اوکراین و رژیم حقوقی دریای خزر ناشی از تغییر ساختار قدرت در اوراسیا می‌باشد. بنابر این هر چند از میزان تهدید مستقیم سازه‌ای روسیه علیه ایران کاسته شده اما قدرت‌یابی هر یک از این کشورها و اتخاذ سیاست‌های جدید به‌خصوص غرب‌گرایی برخی از آنها، امنیت ملی ایران را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و... متاثر از تغییرات سطح قدرت در منطقه ساخته است.

### **(ب) پیشنهاد**

باتوجه به اقدامات خصمانه چهار دهه گذشته غرب جهت ممانعت از نقش‌آفرینی و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، به‌نظر می‌رسد از آنجا که این منطقه ژئوپلیتیکی در حال شکل‌گیری و تثبیت ساختار قدرت می‌باشد؛ لازم است بر عکس منطقه خلیج فارس که با مداخلات قدرت‌های فرمانطقه‌ای، رقابت و چالش بین کشورها مانع از ایجاد سازمان منطقه‌ای خلیج فارس گردیده؛ با پرهیز از هرگونه رقابت به‌خصوص در حوزه نظامی، زمینه‌های همکاری و تعامل بین کشورها در ابعاد مختلف تقویت شود و به تدریج با شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای دریای خزر بسترهای تهدیدات منطقه‌ای کاهش داده شود، شاید در این راستا تعیین و تثبیت رژیم حقوقی دریای خزر از موثرترین اقدامات پیش‌رو باشد.

## منابع و مأخذ

## الف) منابع فارسی

- احمدی‌پور، زهرا؛ حسینی، زهرا (۱۳۹۴). «ماهیت رقابت در منطقه ژئوپلیتیکی خزر»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۳.
- احمدی‌پور، زهرا؛ لشکری، احسان (۱۳۸۹). «چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در بهره‌برداری از منابع خود در خزر»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۶.
- احمدی‌پور، زهرا، لشگری تفرشی، احسان، قنبری، قاسم (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک دریای خزر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- اعظمی، هادی (۱۳۸۵). «وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۳ و ۴.
- اعظمی، هادی (۱۳۸۵). الگویابی نظام قدرت در آفریقا، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۸). «ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، تهران: سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). قدرت و منافع ملی، تهران: انتشارات میرباقری.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). «ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در آفریقا»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت.
- زرکانی، سیدهادی (۱۳۸۵). ارزیابی عوامل و متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی طراحی مدل سنجش قدرت ملی، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عطائی، فرهاد؛ نظری، محمدحسین (۱۳۹۱). «سیاست انرژی اتحادیه اروپا و تامین نفت و گاز از روسیه و حوزه دریای خزر»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۴.

- فرهادی، محمد (۱۳۹۵). «تغییر رویکرد امریکا در آسیای میانه»، فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره ۲۳.
- قاسمی، حاکم (۱۳۹۰). «تحولات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۳.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۳). نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
- کامران، حسن و همکاران (۱۳۹۲). «منطقه خزر: عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، فصلنامه جغرافیا، شماره ۳۹.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳). «بازی بزرگ در قفقاز و پیامدهای امنیتی آن برای آینده ایران»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۷.
- کولایی، الهه (۱۳۸۴). بازی برگ جدید در آسیای مرکزی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- کولایی، الهه (۱۳۹۴). سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، تهران: انتشارات سمت.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیای، تهران: انتشارات سمت.
- مورهد، جی؛ گرین، آر. دبلیو (۱۳۷۴). رفتار سازمانی، ترجمه دکتر سیدمهدی الوانی و دکتر غلامرضا معمارزاده، چاپ چهارم، تهران: نشر مروارید.
- میرحیدر، دره؛ طاهری شمیرانی، صفت ا... (۱۳۸۰). «ژئوپلیتیک دریای خزر»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱). «رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دریای خزر»، مجله آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳.

### (ب) منابع انگلیسی

- Buzan, Barry & et al (1991). *People, State and Fear: An Agenda For International Security Studies in the post- Cold War Era*.
- Saivetz, Carol .R (2000). *Putin's Caspian Policy*, Befler Center program or Project, Kennedy School of Government, Harvard university, USA.
- Taylor, peter (1993). *Political Geography*. U.K. Longman.